

بازداشت مرد طلبکار

به اتهام ربودن بدهکار

مردی که با کمک دو نفر از بستگانش، بدهکارش را بازداشت کرده و تحویل مأموران پلیس داده بود، به جرم آدم‌ربایی بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، چند روز قبل مردی به اداره پلیس رفت و از دو مرد و زنی به اتهام آدم‌ربایی و سرقت اموالش شکایت کرد. شاکی گفت: مدتی قبل با شرکت بازرگانی که مدیر آن زن آشنایی بود، معامله‌ای ۵۰ میلیون تومانی انجام دادم. من به مدیر شرکت و هیئت‌مدیره که شوهر و برادرشوهر زن آشنا بود، چک دادم اما به خاطر مشکلات مالی که برای من پیش آمد پولی نداشتیم به آنها پرداخت کنم و صاحبان شرکت هم چک من را بر گشت زدند. پس از این تلاش زیادی کردم تا پول آنها را فراهم کنم و بدهی‌ام را بپردازم اما چند روز قبل داخل خیابان مدیر شرکت همراه شوهر و برادرشوهرش به من حمله کردند و من را به زور سوار خودروی پرایدشان کردند، آنها من را به طرف اسلامشهر بردند و در میانه‌راه به شدت کتکم زدند و پس از سرعت ۱۱ میلیون تومان پول نقدی که همراه داشتم و تلفن همراهم، من را در اسلامشهر به کانتنری به اتهام کلاهبرداری تحویل دادند.

وی ادامه داد: پس از این با گذاشتن وثیقه از بازداشتگاه آزاد شدم و الان از این سه نفر به اتهام آدم‌ربایی و سرقت اموالش شکایت دارم. پس از طرح این شکایت، پرونده به دستور قاضی بخشوده بازپرس شعبه هفتم دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی آدم‌ربایان در اختیار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران در نخستین گام مدیر شرکت بازرگانی را به اتهام آدم‌ربایی و سرقت بازداشت کردند. متهم صبح روز گذشته مقابل قاضی بخشوده اتهام سرعت و آدم‌ربایی را انکار کرد و مدعی شد که شاکی را به خاطر بدهی‌اش به زور سوار خودرو کرده و به اداره پلیس تحویل داده‌اند. وی گفت: همراه همسر و برادرشوهرم شرکت صادرات و وارداتی تأسیس کردیم تا اینکه چندی قبل با مرد آشنایی معامله ۵۰ میلیون تومانی انجام دادیم، پس از تحویل کالا خریدار به ما چک داد، اما وقتی چک را برای وصول با بانک بردیم، متوجه شدیم حسابش خالی است. سپس به آدرس خریدار مراجعه کردیم که فهمیدیم محل سکونتش را تغییر داده، ما مجبور شدیم از او شکایت کنیم و چکش را بر گشت بزنیم. چند روز قبل همراه شوهر و برادرشوهرم بیرون بودیم که مرد بدهکار را داخل خیابان دیدیم و او را به زور سوار خودرو کردیم و به اداره پلیس تحویل دادیم. وی در پایان گفت: شاکی به دروغ ادعا می‌کند که ۱۱ میلیون تومان پول او را در سرعت کرده‌ایم، چون اصلاً پولی همراه نداشت و گوشی او هم زمانی که سوار خودرواش کردیم، از دستش روی زمین افتاد که برداشتم و فراموش کردم تحویلش بدهم.

متهم پس از بازجویی برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت، قاضی بخشوده همچنین در جلسه بازجویی برادرشوهرن جوان را که برای پیگیری کارهای زن برادرش به دادرسا آمده بود، به اتهام آدم‌ربایی بازداشت کرد.

راننده شیطان صفت جرمش را انکار کرد

راننده جوانی که متهم است دختری را ربوده و اموالش را سرقت کرده در بازجویی‌های مدعی شد، شاکی خودش اموالش را به او داده است. به گزارش خبرنگار ما، یک ماه قبل بود که دختر جوانی به اداره پلیس رفت و از مرد مسافر کشی به اتهام آزار و اذیت و سرقت اموالش شکایت کرد.

شاکی گفت: صبح روز یک‌ی از خیابان‌های غربی تهران منتظر تاکسی بودم تا به محل کارم بروم که خودروی پرایدی کنارم توقف کرد، پس از گفتن سوار شوخو ر شدم، راننده که مرد جوانی بود، شروع به حرکت کرد و پس از طی مسافت کوتاهی تغییر مسیر داد. وقتی اعتراض کردم مدعی شد که به خاطر ترافیک تغییر مسیر داده و به زودی به مسیر اصلی برمی‌گردد، به او اعتماد کردم تا اینکه راننده در خیابان خلوتی خودرواش را متوقف کرد و به زور کارت عابر و رم‌ش را از من گرفت. در حالی که به شدت ترسیده بودم مرد مسافر کش‌نما من را مورد آزار و اذیت قرار داد و پس از آن من را داخل خیابان از خودرو پایین انداخت و فرار کرد، اما من شماره پلاک آن را یادداشت کردم، وی ادامه داد: راننده شیطان صفت از کارت عابرم ۴ میلیون تومان به حساب دیگری انتقال داده است. پس از طرح این شکایت تیمی از مأموران پلیس به دستور قاضی سپهرای، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی متهم وارد عمل شدند. بررسی مأموران نشان داد: خودروی متهم مدتی قبل به خاطر ارتکاب جرم دیگری توقیف شده است، بدین ترتیب مأموران متهم را هنگام تحویل خودرواش بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها اتهام خود را انکار کرد. وی در ادعایی عجیب گفت: روز حادثه شاکی را سوار خودروام کردم، وقتی از مشکلات زندگی‌ام گفتم کارت‌ش را در اختیار من قرار داد و قرار شد این مبلغ را به عنوان قرض از کارت‌ش برداشت کنم. تحقیقات از متهم ادامه دارد.



رئیس مرکز مطالعات راهبردی ناجا با بیان اینکه رویکرد پلیس در تمدن‌نویین اسلامی از مأمور مسئول به سمت مجاهد مسئول است از پاسخگویی پلیس به مطالبات مردم به دلیل تغییر مطالبات عمومی در گذر زمان خبر داد. سردار احمدضارادان در نشست خبری دیروز که در مرکز مطالعات راهبردی ناجا برگزار شد، در جمع خبرنگاران حاضر شد و با اشاره به اولین همایش ملی ناجا و تمدن نوین اسلامی گفت: مرکز مطالعات راهبردی ناجا یکی از جوان‌ترین مراکز مطالعاتی در میان نیروهای مسلح است، اما خوشبختانه از زمان تأسیس تاکنون توانسته جای خود

را در میان نیروهای مسلح باز کند.

وی با اشاره به مراحل پنج‌گانه مسیر انقلاب اسلامی از نگاه مقام‌معتبرهبری به عنوان انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی افزود: ما دو کار ویژه و مهم در مرکز مطالعات راهبردی ناجا در دستور کار خود قرار داده‌ایم که یکی معماری ناجای آینده و دومی سراداران با تأکید بر اینکه در افق‌های مختلف، باید بتواند ارتباطی بهنگام با بخش‌های مختلف جامعه برقرار کند، چراکه ناجاز جمله نهادهایی است که بیشترین ارتباط را با مردم دارد و غیر از اینکه نیرویی مسلح محسوب می‌شود، دارای کارکردهای اجتماعی هم هست. از طرفی هم سطح دانش و بینش مردم در گذر زمان در حال تغییر است که این تغییرات به تغییر مطالبات مردم می‌انجامد و به همین دلیل ناجا باید خود را به روز کند و پاسخگویی

رئیس مرکز مطالعات راهبردی ناجا:

رویکرد پلیس از مأمور مسئول به مجاهد مسئول تغییر می کند

مطالبات مردم باشد. رئیس مرکز مطالعات راهبردی ناجا با بیان اینکه رویکرد مادر تمدن نوین اسلامی و نقش ناجادر این تمدن این است که پلیس از مأمور مسئول فراتر رفته و به مجاهدمسئول برسد، خاطر نشان کرد:اگر مأموری که امروز در سر چهارراه حضور دارد، بخواهد تنها یک مأمور مسئول باشد،شاید در آینده نتواند انتظارات مردم را به خوبی پاسخ و حتی نتواند وظایفش را به خوبی انجام دهدو خوشبختانه در سال‌های اخیر توانستیم رویکرد پلیس را از مأمور معذور به مأمور مسئول تغییر دهیم و در نهایت محصولی که از نیروی انتظامی در تمدن نوین اسلامی توقع داریم، حرکت را مأمور مسئول به سمت مجاهد مسئول است.

سردار رادان در پاسخ به سؤال خبرنگاری در خصوص تغییر مأموریت ذاتی پلیس از ضابطیت به سمت تصمیم‌سازی در آینده ناجا گفت: هرگز مأموریت ضابطیت از نیروی انتظامی سلب نخواهد شد، اما معتقدیم اگر ضابط قضایی هم بتواند حین اجرای احکام، بهترین کار کرد را داشته و در نقش



طولانی شدن زمان اطفا‌ی حریق اما تیم امداد ایرانی موفق شد با گرفتن مجوزهای لازم راهی محل حادثه شود. آنها قرار است تا صبح امروز قدم به داخل کشتی بگذارند، قبل از ورود امدادگران ایرانی قرار است خنک‌کننده بیشتری به کشتی بیاورند و دمای بالای نفتکش ایرانی، تیم تجسس و نجات که در منطقه حضور دارد از کشتی خارج شده و هم‌اکنون منتظر سردشدن نفتکش ایرانی است تا پس از کاهش دمای آن عملیات تجسس ونجات ادامه یابد.»

مهر داد علی‌بخشی، مدیر کل مدیریت بحران سازمان پزشکی قانونی هم اعلام کرد که نمونه‌گیری از خانواده‌های قربانیان حادثه برای تشخیص هویت اجساد کشف‌شده آغاز شده است، وی گفت: «به منظور بررسی هویت سه جسد کشف شده ناجا به اخذ نمونه ژنتیکی از خانواده‌های (بستگان درجه یک) متاهل خود را به محصل رساناس هماهنگی با

حالی بزرگراه اشرافی اصفهانی مواد می فروختیم، آن شب در محدوده خودمان در حال کار بودیم که ناگهان صدای ایست شنیدیم، فکر کردیم که مأموران پلیس آن حوالی کمین کرده‌اند به خاطر همین هر دو فرار کردیم. وقتی مسافتی از محل دور شدیم برادرم به ما ماجرا مظلون شدن و احتمال داد که فرمان ایست از سوی فرد دیگری غیر از پلیس صادر شده باشد، به خاطر همین به محل برگشتیم.

حدس برادرم درست بود، کسی که فرمان ایست را صادر کرده بود یکی از رقبایان ما در کار فروش موادمخدر بود، او مردی ۳۰ ساله به نام منوچهر بود، غیر از منوچهر یکی دیگر از دوستان او که فرهاد نام داشت هم آنجا بود، برادرم با منوچهر درگیر شد وقتی دیگریم آنها با او گرفت منوچهر با چاقو چند ضربه به برادرم زد و فرار کرد.

با اطلاعاتی که برادر مقتول در اختیار پلیس گذاشت، کارآگاهان محل زندگی فرهاد را در شهر قدس سناسایی‌ای و او را بازداشت کردند. فرهاد گفت: من شب حادثه در محل حضور داشتم اما در جریان درگیری اعضای بدن مردی که در شهرستان رشت به مرگ مغزی مبتلا شده بود، به بیماران نیازمند اهدا شد.

مرتضی خان زاده‌شاهانی ۳۵ساله دو روز قبل به علت سقوط از داربست مجروح و به مرگ مغزی مبتلا شد. بعد از آن با رضایت خانواده‌اش، اعضای بدن وی در بیمارستان سینای تهران به سه بیمار نیازمند اهدا شد.

مرگ مشکوک مرد جوان بررسی می‌شود

مرگ مردی که ادعا می‌شود با اصابت چاقو به گردنش به زندگی‌اش پایان داده است، بررسی می‌شود. به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۰:۴۵ روز پنج‌شنبه ۲۱دی‌ماه قاضی منافی آذر، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۲۷ نارمک از مرگ مشکوک مرد جوانی با خبر و به همراه تیمی از کارآگاهان راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه که اتاق خواب ساختمان مسکونی در حوالی مسیل باختر بود با جسد مرد ۳۴ساله‌ای روبه‌رو شد که با اصابت چاقو به گردنش به کام مرگ رفته بود. خانواده مرد فوت شده ادعا کردند، وی که مشکل روحی و روانی دارد دقایقی قبل خودش به زندگی‌اش پایان داده است. همزمان با ادامه تحقیقات جسد برای انجام آزمایش‌های لازم به دستور قاضی منافی آذر به پزشکی قانونی فرستاده شد.

مرگ خاموش ۳عضو یک خانواده

سه عضو یک خانواده در شهرستان بوهمین به علت گاز گرفتگی فوت شدند. این حادثه صبح روز گذشته به امدادگران گزارش شد و بررسی‌هایبدان حضور در محل نشان داد که چهار عضویک خانواده دچار گازگرفتگی شده‌اند، در معاینه‌بعدی مشخص شد پدر ۴۰ساله، مادر ۳۰ساله و پسر بچه شش‌ساله‌ای جان خود را از دست داده‌اند و کودک شش‌ساله دیگری که دارای علائم حیاتی بود، به بیمارستان منتقل شد.

سازمان بنادر کشتیرانی، خانواده‌ها از پنج روز پیشبه به پزشکی قانونی تهران و فارس هدایت شدند. در استان تهران ۱۲ خانواده و در استان فارس نیز چهار خانواده به مرکز پزشکی قانونی مراجعه کرده‌اند و از آنان نمونه ژنتیکی اخذ شد. خانواده‌های خدمه‌ها با دلشور از پزشکی قانونی خارج‌شدند. آنها در اوج نگرانی امیدوارند به خبرهایی امیدبخش که از میان آب و آتش خارج شود.

نفتکش ایرانی حامل ۱۲۶هزار تن مینعات گازی صادراتی ایران به کرجنوبی، شامگاه شانزدهم دی‌ماه پس از برخورد یک کشتنی باری با آن، طعمه حریق شد. این حادثه سبب انفجار و آتش‌سوزی در کشتی نفتکش شد که ۳۲برنشین آن، ۳۰نفر آنها ایرانی و دو نفر بنگلادشی که تنها جسد سه نفر آن پیدا شده است.

دوئل خونین بر سر منطقه فروش موادمخدر

منوچهر و مجید هیچ دخالتی نداشت. در شاخه دیگری از تحقیقات محل زندگی منوچهر هم در شهر قدس شناسایی شد. دو روز قبل وقتی کارآگاهان برای بازداشت متهم راهی مخفیگاهش شدند، برادر ۱۹ساله منوچهر که ارش نام داشت و یکی دیگر از دوستانش که مردی ۲۵ساله به نام صابر بود، تلاش کردند مانع بازداشت او شوند، اما کارآگاهان هر سه را بازداشت کردند.

منوچهر در اولین تحقیقات گفت: در کار خرید و فروش موادمخدر فعالیت نمی‌کنند، او همچنین گفت که مقتول را نمی‌شناسد و از ماجرای قتل خبر ندارد. متهم در تحقیقات فنی‌ای اما به قتل باالگیره تصاحب محدوده فروش موادمخدر اعتراف کرد. سرنگه کارآگاهان مجید مکرگم، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: متهمان با صدور قرار قانونی به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شدند. وی ادامه داد: تحقیقات بیشتر برای شناسایی دیگر شرکت‌کنندگان در نزاع در جریان است.

بازداشت قاتل فراری پس از ۱۱ ماه

مردی که از ۱۱سال قبل به اتهام قتل عمد تحت تعقیب مأموران پلیس شهرستان قصرقند قرار داشت، بازداشت شد. سرهنگ حمید نوری، فرمانده انتظامی شهرستان قصرقند در جنوب سیستان‌و بلوچستان گفت: بهمین ماه سال گذشته قتل جوانی ۱۹ساله در بخش ساروبوک قصرقند به مأموران پلیس گزارش شد. بررسی‌ها نشان داد عامل حادثه مردی ۲۱ساله است که بعد از حادثه در محل متواری شده و همچنین معلوم شد متهم از مجرمان سابقه‌دار است و قبلاً به اتهام جرائم مختلف بازداشت شده بود.

وی ادامه داد: مأموران پلیس سرانجام روز گذشته متهم را در مخفیگاهش شناسایی و بازداشت کردند.وی در بازجویی‌هاقرار کرد که باالگیره شخصی مرتکب قتل شده بود.

خواهر و برادر به اتهام قتل محاکمه شدند

انکار قتل دختر خوانده



نامادری و برادرش که از ۱۱سال قبل به اتهام قتل دختری نو جوان در بازداشت به سر می‌یرند، بار دیگر محاکمه و جرمشان را انکار کردند. به گزارش خبرنگار ما، پانزدهم اردیبهشت ماه سال ۸۶، مأموران پلیس از مرگ مشکوک دختر ۱۶ساله‌ای به نام آرزو در شهری رابخر و راهی محل شدند. نامادری مقتول که زنی ۳۶ساله به نام نرگس و در محل حاضر بود، به مأموران گفت: «آرزو دختر زن دوم شوهرم بود و من نامادری او بودم، آرزو دوست نداشت با خانواده‌ام رفت‌وآمد داشته باشد و بسر این موضوع با هم اختلاف داشتم. ساعتی پیش هم به خاطر اینکه برادرم به دیدن آمده بود با هم درگیر شدیم و در آن درگیری برادرم عصبانی شد و آرزو را خفه کرد.»

بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی، مأموران در تحقیقات بیشتر، از دختر شش‌ساله نرگس، که شاهد حادثه بود، تحقیق کردند. او به مأموران گفت: «همه این حرف‌ها دروغ است، مادرم خودش آرزو را کشت. روز حادثه مادرم با آرزو درگیر شد و گفت: چرا در کار من دخالت می‌کنی، بعد از آن شروع به فحاشی و کتک‌زدن کرد. در آن لحظه دایم او وارد شد. وقتی مادرم را در آن شرایط دید، ناراحت شد. سپس هر دو به سمت آرزو رفتند. دقیقاً یادم نیست فکر کنم مادرم اصرار داشت تا آرزو قرض بخورد، اما او مقاومت می‌کرد. به همین دلیل آنها عصبانی شدند و مادرم پاهای آرزو را گرفت و دایم یک بالش روی دوش آرزو گذاشت تا اینکه نفس خواهرم قطع شد.»

با این توضیحات، برادر ۴۰ساله نرگس که نادر نام داشت، بازداشت شد اما جرمش را انکار کرد و گفت: در این حادثه نقشی نداشت‌ه است. او به مأموران گفت: «من و خواهرم خیلی با هم ارتباط نداشتیم گاهی به او سر می‌زدم. روز حادثه در مغازه نانوا‌یام مشغول کار بودم و از ماجرا خبری نداشتیم تا اینکه چند روز بعد متوجه فوت آرزو شدم.»

سپس نامادری مقتول بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و بالاخره در جرمش اقرار کرد و گفت: «شوهرم بعد از سه بار ازدواج با داشتن یک دختر سه‌ساله و یک پسر چهار ساله به خواستگاری‌ام آمد، از آنجایی که مجبور بودم ازدواج کنم شرایط را پذیرفتم. بعد از آن بود که در زندگی متوجه شدم شوهرم مرد عصبی، بدبین و بدبختی‌طلب و دست‌بزن هم‌دار به همین دلیل جرت نداشتم از خانه بیرون بروم. تا اینکه صاحب فرزند شدم و این شرایط با ناسازگاری بچه‌های زن دوم شوهرم مرا خسته کرده بود به این خاطر همین مجبور شدم آرزو را به قتل برسانم و او را خفه کردم.» بعد از کامل شدن تحقیقات، نرگس و برادرش به اتهام مباشرت در قتل روانه زندان شدند و پرونده برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی قربان‌زاده فرستاده شد.

در اولین جلسه رسیدگی به پرونده، بعد از اعلام رسمیت جلسه، پدر مقتول و همسر دوم او که مادر مقتول بود در خواست قصاص کردند، سپس نامادری در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش در آخرین دفاعش گفت: «باور کنید آرزو را نکشتم و به خاطر فشارهای بازجویی بود، مجبور شدم قتل را به گردن بگیرم. آن روز پدر آرزو به دیدش آمده بود که با هم درگیر شدند. شاید قتل کار او باشد.» در ادامه برادر او نادر نیز با انکار جرمش از خودش دفاع کرد. در پایان هیئت قضایی بعد از شور با توجه به مدارک در پرونده، نرگس و نادر را به اتهام قتل عمد به قصاص محکوم کرد، این حکم به دیوان عالی کشور فرستاده شد اما با اعتراض متهمان نقض و به شعبه هم‌عرض فرستاده شد. به این ترتیب پرونده روز گذشته بار دیگر روی میز هیئت قضایی شعبه باز دهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی متین راسخ قرار گرفت، در قرائت کیفرخواست اوستا زندگی دیگر درخواست قصاص کردند سپس نرگس که با قرار وثیقه آزاد بود در جایگاه قرار گرفت و رو به هیئت قضایی با انکار جرمش گفت: «از شوهر سابقم چند فرزند داشتم اما وقتی به خواستم با پدر آرزو ازدواج کنم او فرزندانم را نپذیرفت، قبول کردم و همسرش شدم تا اینکه فهمیدم او از همسر سابقش یک دختر و یک پسر دارد، چیزی نگفتم و آنها را مثل فرزندان خودم دوست داشتم اما آرزو دختر بدبختی بود، بعد از مدتی من و پدر آرزو صاحب فرزند دختر شدیم و این باعث شد ناسازگاری‌های آرزو بیشتر شود اما باور کنید این مشکلات نهانی‌ای برای قتل آرزو نبود و به مرگ او راضی نبودم. همه اظهاراتم تحت فشارهای بازجویی بود، آنقدر فشارهای زندگی مرا خسته کرده بود که دیگر طاقت شکستجه‌های پلیس آگاهی را نداشتم.» در ادامه برادر نرگس دیگر متهم پرونده که او نیز باقرار وثیقه آزاد بود، جرمش را انکار کرد و در آخرین دفاعش گفت: «می‌دانستم خواهرم زندگی راحتی ندارد، اما هیچ‌وقت به خودم اجازه نادم تا در زندگی‌اش دخالت کنم. در قتل نیز نقشی نداشت‌م و آن روز در نانوا‌یای بوم که چند روز بعد متوجه شدم چه اتفاقی افتاده است.» در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.